

شوهر اولی او را سه مرتبه طلاق داده باشد نه اینکه عقد ازدواج در اثر فسخ یا علت دیگری (غیر از طلاق منحل شده باشد برای اینکه اگر عقد ازدواجی بواسطه جهتی غیر از طلاق چند مرتبه هم منحل گردد این انحلال مکرر میان زن و شوهر موجب حرمت نخواهد شد ثالثاً اینکه شوهر بعد از طلاق اول و دوم بآن زن رجوع یا او را با عقد جدیدی ازدواج کرده و با هم زن و شوهر شوند پس اگر بعد از یکی از دو طلاق بدون اینکه با رجوع نموده یا او را عقد مجدد کند مدتی با او محشور و معاشر بوده باشد و بعداً میان آنها متار که شود این نحوه معاشرت و حشر را نمی توان ازدواج نامید و این متار که را هم نمی توان طلاق گفت تا موجب حرمت و ممنوعیت گردد رابعاً این زن بعد از سه طلاق نمی تواند دیگر

شوهر خود ازدواج کند و باو حرام است مگر با چهار شرط :

- ۱ - غیر از شوهر خود بمرد دیگری شوهر نکند
- ۲ - ازدواج بمرد دیگر با عقد دائم باشد نه با عقد انقطاعی
- ۳ - پس از شوهر کردن میان او و شوهر دوم نزدیکی واقع شود
- ۴ - پس از وقوع عقد و نزدیکی بواسطه یکی از علل انحلال نکاح میان زن و شوهر دویمی فراق وجدائی واقع گردد

در صورت احراز شرایط اخیر زوج اولی میتواند مجدداً آن زن را ازدواج کند و الا فلا - بیان طلاقهای نه کانه که موجب حرمت ابدی است در مقاله دیگر خواهد آمد

محمد بدیع تبریزی

بحث در حقوق جزائی فرانسه

هزینه دادرسی در امور جزائی

طبق مقررات ماده ۱۲۴ از قانون ۵ اکتبر ۱۹۲۵ دادرسانی که قرار تامین یا اوراق اجرائیه صادر کرده اند هم چنین اشخاصیکه از لحاظ جهت عمومی بزه دارای وظایف رسیدگی می باشند مأخوذ به امضات خود بوده در قبال عوارض قانونی که به اسم هزینه دادرسی دریافت می دارند چنانچه تحمیل یا تعدی نسبت به افراد شود اشخاص مذکور و مامورین اخذ عوارض مشترکاً مسئول می باشند - این مسئولیت مشترک که قانون بین داد رسان و صاحب منصبان پار که ایجاد کرده از لحاظ اهمیتی است که قانونگذار برای امور جزائی قائل و هزینه های دادرسی را تحت کنترل و مراقبت کامل قرار داده است بنابراین باید به اهمیت موضوع

پی برده اقدامات لازم را برای احتراز از وقوع اشتباه و سهل انگاری که غالباً بوسیله مامورین اخذ عوارض واقع شده است بعمل آورد - مقصود از هزینه دادرسی در امور جزائی تمام مخارجی است که برای تعقیب و کشف بزه در اثنای دادرسی لازم و قانوناً هم پیش بینی شده است .

وقتی که يك دادگاه بزه کاری را محکوم میکند اعم از اینکه نوع بزه جنایت یا خلاف و یا جنحه باشد باید علاوه بر محکومیت قانونی بزه کار به مجازات مقرره او را به پرداخت تمام هزینه های دادرسی هم محکوم نماید - در مورد مذکور دادگاه می تواند بزه کار را به استرداد شیئی حاصل از بزه هم چنین جبران خسارات

وارد شده بر دادخواه علاوه بر مراتب مذکور در بالا محکوم کند.

هزینه های دادرسی که ضمن ماده دوم از قانون ۵ اکتبر ۱۹۲۰ مفصلاً تشریح گردیده است عبارت از مخارج اعزام مظنونین و بزه کاران به حوزه های قضائی و هزینه های تبعید و استرداد - حق الزحمه های لازم برای تادیبه به کارشناسان و مترجمین همچنین حق الزحمه هائی است که به گواهان و هیئت منصفه و حافظین اموال داده میشود. فوق العاده مامورین انتظامی و صاحب منصبان کشف جرایم که باستناد قانون اصول محاکمات جزائی یا قوانین مخصوصه صلاحیت تعقیب را دارند. مخارج پستی و تلگرافی و تلفنی - فوق العاده مامورین حامل نامه ها و دستورات هم چنین هزینه لازم برای طبع تصمیمات و مقررات قضائی - مخارج اجرای احکام و حق الزحمه اجراء کنندگان - هزینه هائی که به اشخاص قربانی شده در راه اشتباهات و تشخیصات غلط قضائی پرداخته میشود. هزینه واری در تصمیمات قضائی و کمک هائی که در باره اشخاص بی گناه مبری از اتهام لازم است بشود - اینها مخارجی است که در قوانین جزائی به اسم هزینه دادرسی پیش بینی شده است هزینه های دیگری که مرتباً شبیه به هزینه های جزائی است عبارت از هزینه هائی می باشد که برای اجرای قوانین بوضع خاصی در مورد اطفال صغیر بزه کار لازم شده همچنین مخارجی است که قبلاً برای تصفیه عمل تاجر متوقف طبق ماده ۲۴ از قانون اصول محاکمات تجارت مصوب چهارم مارس ۱۸۸۹ پیش بینی شده است و نیز معاضدت های قضائی مربوط به محاکمات اداری یا حقوقی و یا تجاری هزینه اعزام نماینده قضائی یا فرستادن بایگانی یک دادگاه به جای دیگر هزینه هائی که برای جبران خسارات حاصله از اتفاقات ناگهانی مربوط به کارهای صنعتی لازم است در عداد مخارج مذکور قلمداد میشود زیرا که معاضدت های قضائی پیش بینی

شده ضمن ماده ۲۲ قانون نهم آوریل ۱۸۹۸ راجع به کسانی که قربانی تصادفات و اتفاقات غیر مترقبه در حین اشتغال به کار های خطیر شده اند اقتضاء دارد که به اشخاص موضوع اتفاقات یا قائم مقام قانونی حقوق ایشان کمک های لازمه بشود. مقررات وزیر کار که در تاریخ پنجم فوریه ۱۹۳۲ وضع و بموقع اجراء گذارده شده است بطور وضوح و تفصیل خسارات ناشیه از تصادفات کار را تعیین و بوسیله پزشکان مجرب که بعنوان کارشناسی انتخاب میشوند میزان آن را معلوم کرده است دفتر داران دادگاهان حقوقی هزینه های لازم برای دادرسی را طبق مقررات قوانین موضوعه قبلاً در یافت کرده کیفیت جمع آوری آن هم مثل هزینه های امور جزائی است - برای کشف حقیقت و اجراء حقانیت امر لازم است که باز پرس فوراً شروع بعملیات کرده از امحاء آثار بزه جلوگیری و بوسایل دقیق علمی برای حفظ آثار آن توسل کند مثل در نظر گرفتن کیفیت جریان آب - وضعیت ارتفاع یا انخفاضی محل - برداشتن عکسهای لازم برای کشف بزه - اعمال تخصصات فنی راجع به نوشتن یا حسابداری در امور مفصله فنی. بازرسیهای استثنائی در بایگانیهای ادارات یا بانکها احضار کلانتر پلیس در موردیکه جلب یا بازداشت موقت بزهکار لازم است هزینه های مشروح در بالا تا مبلغ یک هزار فرانک با اجازه دادستان استان تادیبه شده و بیشتر از آن با اجازه صریح وزیر دادگستری خواهد بود. در موارد فوری دادستان شهرستان و باز پرس بمسئولیت شخصی خود اجازه مخارج را داده مراتب را فوراً به دادستان دیوان کشور اطلاع می دهند که او هم بوزیر دادگستری گزارش کند. دادستان شهرستان و باز پرس نباید از این حق استفاده نمایند مگر در مواردیکه طبع قضیه اقتضای سرعت را دارد و در چنین مورد هم باید نهایت دقت را بعمل آورند که اشکالی فراهم نشود زیرا که در صورت عدم موافقت مقامات بالاتر عهده دار پرداخت

مخارج مصرف شده بوده و از اعتبار شخصی خود آنرا تأدیه خواهند نمود.

وقتی که بازپرسی خود را مواجه با مشکلات فنی دیده که بدون کسب نظر کارشناس انجام امر مقدور نیست قبلاً میزان حق الزحمه او را سؤال و استفسار میکند چنانچه میزان حق الزحمه در خواست شده توسط کارشناس متجاوز از مبلغی است که در ماده ۲۶ از قانون پیش بینی شده (صد فرانک در پاریس و هشتاد فرانک جاهای دیگر) فاضلی تحققی باید این هزینه را بتصویب دادستان استان و یا باختلاف مورد وزیر دادگستری رسانیده دلایل کافی برای ضرورت خرج و وجوبی که آنرا ایجاب کرده و باعلتی که باعث آن شده است اقامه نماید هم ماهه دادستان شهرستان صورت جامع مخارج فوری را که از طرف دادسرا یا شعب بازپرسی تمهید شده و قبلاً بتصویب دادستان استان رسیده است برای وزارت دادگستری میفرستد و در صورت مذکوره کلیه مخارج عادی و فوق العاده و موارد استثنائی که پیش آمده است با تمام ادله مثبتة قید خواهد شد.

دادستان استان هم بنوع خود در آخر هر ماه صورت مخارج فوراً که قبلاً بتصویب وزیر دادگستری ترسییده است برای وزارت نامبرده میفرستد - قضاة دادگاهان جزائی همچنین صاحب منصبان پارک و دادستانها مکلفند هزینه های دادرسی های جزائی را که با مضای خودشان رسیده است دقیقاً کنترل و بازرسی نمایند.

قضاة مزبوره باید صلاحیت قانونی را در وصول عوارض همچنین اجرای تصمیمات قضائی خود احراز نمایند. بطور کلی قضاة صالح برای وصول هزینه ها و عوارض قضائی هستند که مخارج بدست آنها شده است هر چند که دادگاه و مرجع دیگری مأمور رسیدگی بآن باشد مع هذا این کیفیت نفی صلاحیت از مراجعی که امر بمتمه مخارج نموده اند نمیکند - اشخاص مذکوره در بالا بعد از تحقیقات کافی باید اطمینان حاصل کنند از اینکه مخارج دریافت شده طبق قوانین موضوعه

و مقررات آئین نامه هائی می باشد که وزارت دادگستری قبلاً تدوین نموده است.

اسناد لازمه در دوبرك تنظيم میشود. قضاة مشروحه در نظر میگیرند مخارجی را که دادخواه مطالبه میکند مطابق مقررات آئین نامه جزائی و نظامات بوده تخلفی در بین نباشد.

در ایام پیشین هزینه تعقیب بزهاران صرفاً و بثنهائی بمهده دولت بوده در صورتی که دادخواه خصوصی ابلاغ بزه نموده کار را دنبال میکرد هزینه بدری مره طبر حله تحقیقات و نهائی راجع با اجرای تصمیمات را شخصاً عهده دار میشد ولی حق داشت که برای وصول غرامات و ضرر و زیان خود به بزهار مراجعه کند.

این مقررات بوسیله قوانین بعدی کاملاً تغییر یافته قوانین جدیدی جانشین آن گردید. بنا بر قانون نازم کلیه تصمیمات راجعه بمحکومیت های جنائی یا جناحه و حتی خلافی حاوی تأدیه کلیه مخارجی خواهد بود که قبلاً از طرف خزانه عمومی پرداخته شده است.

قانون بعدی تغییرات دیگری داده مقرر داشته است که هزینه های لازمه برای تعقیب بزهاران قبلاً از طرف دولت پرداخت شده ولی بمهده آن باقی نخواهد بود مگر موقعیکه بزهار از آنها منسوب بترئه حاصل کند و چنانچه دادخواه خصوصی در بین باشد هزینه بدری کار و مخارج لازمه تا زمان اتخاذ تصمیم باشا کی خصوصی است مگر در موردی که دادخواه برای جبران خسارت قانونی خود بداد خوانده که مورد محکومیت واقع شده است مراجعه میکند (مواد ۱۶۲ و ۱۹۴ و ۳۶۸ اصول محاکمات جزائی همچنین تصویبنامه ساله ۱۸ ژوئن ۱۸۱۱) - در عین حال که اصول محاکمات جزائی تأدیه مخارج را فقط در موردی به عهده ابلاغ کنند بزه و شاکی خصوصی گذارده است که دنبال کننده کار باشند مع هذا ماده ۱۵۷ تصویبنامه ۱۸ ژوئن ۱۸۱۱ مقرر داشته است که در تمام موارد جنائی شاکیان

خصوصی مخارج کار را بپردازند *

قانون مصوب ۲۸ آوریل ۱۸۳۲ - مقررات ماده ۳۶۸

قانون اصول محاکمات جزائی را تغییر داده در امور جنائی هم که اتخاذ تصمیم با هیئت منصفه است شاکی خصوصی را که دنبال کننده کار نیست از تأدیه مخارج معاف داشته است.

ضمن هر قرار یا حکم محکومیت باید تکلیف هر يك از

محکومین و با اشخاصیکه مسئولیت حقوقی دارند از حیث

پرداخت مخارج معین بشود *

محکومیت بتأدیه مخارج ایجاد مسئولیت مشترکه

بین اشخاص میکند که بار تکاب جرم جنائی یا جناحه متفقاً

مورد تعقیب واقع شده اند *

این مسئولیت مشترکه نه فقط منحصر به بزه هائی

میشود که در قانون اصول محاکمات جزائی پیش بینی و

تصریح شده است بلکه شامل کلیه تصریحات و کنهائینی است

که باستناد قوانین بزه شناخته شده است مثل تخلف از تأدیه

مالیاتها و عوارض دیوانی و در مورد محکومیت های کوچیک

خلافی مسئولیت مشترکه وقتی وجود خواهد داشت که

مواد صریح قانونی آنرا قبلاً پیش بینی کرده باشد در تمام مواردی

که بزه از لحاظ اهمیت عمومی و بدون مداخله شاکی خصوصی

آنها برای حفظ قوانین تعقیب میشود نه دولت و نه قضاة

دادگاهان یا دادسراها همچنین مأمورین پلیس قضائی هیچیک

مأخوذ پرداخت نمیکنند فقط راه مراجعه بانخص نامبرده

وقتی بزرگ است که اشتباهات قضائی آنها بنحو صریح و تعدد

در بین بوده یا اینکه راه اعوجاج را چه در اثبات تحقیقات
و چه در موقع قضاوت طوری پیش گرفته باشند که استنباط
غلط و تشخیص بی رویه آنان مبرهن گردد که اصول قضائی
مراجعه بقضاة و صاحبمنصبان دادسرا همچنین رؤسای پلیس
قضائیا در چنین مورد جایز دانسته است.

ماده ۴۱۵ از قانون اصول محاکمات جزائی بدیوان

کشور همچنین دادگاه بزرگش اجازه داده است که در مقام

کسیختن قرار باز پرس او یا صاحبمنصبان پلیس قضائی را بتأدیه

مخارج محاکمه محکوم کنند لکن این محکومیت فقط در

موقعی است که اشتباهات ناشیه دارای اهمیت کامله بوده و

خط و تعدد محسوس باشد و در حقیقت امر محکومین و

اشخاصیکه از لحاظ حقوقی دارای مسئولیت هستند باید مخارج

محاکمه جنائی را بخزانه همگانی تأدیه نمایند و بیه قضائی

که اخیراً اتخاذ شده ورنه متهمی را که در اثبات دادخواست

نخستین باقبل از قطعیت حکم مرده است از تأدیه مخارج

معاف نموده است.

چنانچه محکوم بحکم غیابی در مقام اعتراض برآید

مخارج قانونی مهده اوست و هرگاه امر جزائی بنابر تقاضای

متضرر حقوقی دنبال شود شاکی خصوصی باید کلیه مخارج

لارمه را تأمین کند والا دادخواست خصوصی او مورد قبول

واقع نخواهد شد اعم از اینکه قلابه از پرس مراجعه و یا

اینکه بزمنکار را در مقابل دادگاه اتهامی آورده کرده باشد

و در موردی که متهم را مستقیماً در محضر دادگاه کشانده باشند

دادگاه در اولین نشست میزان مخارج را تعیین خواهد کرد